

Abstract

The issue of Good-and-Evil is one of the important problem that has always been the thoughts of the thinkers of different religions as well as the people. It also attracts ordinary people. in ancient China, it was also very important. As we can say that this two conflicting sides in this land have a central role for the sustainability of society and the moral system and order. According to the teachings of Tao, Te, Ching and in many of Elyotseh's moral excellence, the role of these two menstrual (Good-and-Evil) can be seen clearly. In fact, the origin of these two rules, are the same contradiction between the most basic structure of nature, namely, Two Complementary Elements, (yin) earth, negative, female (yang) heaven, positive, Male. These are the sources of change and symbols of creation. And the harmony between them brings order to the world So the question can be stated, that these two forces - to what extent do, - play an essential role in the Taos' individual conduct and his view to the world And how can there be a balance between them? Thus, the present study discusses the role of good and evil forces in the Ontology and anthropology of Taoism based on Taoist Qing texts.

Keywords: Ontology, Anthropology, Good and Evil, TaoteChing , Yin and Yang

نقش نیروهای خیر و شر در کیهان‌شناسی و انسان‌شناسی تائوئیسم براساس تائوته چینگ

منصوره اسکندری^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

عبدالحسین طریقی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

بهرادسالکی^۳

چکیده:

مسئله خیر و شر یکی از مباحث مهمی است که همواره افکار متفکران ادیان مختلف و همچنین مردم عادی را نیز به خود جلب نموده. در چین باستان، نیز بسیار حائز اهمیت بوده. چنانکه می‌توان گفت، این دنیروی متضاد در این سرزمین برای پایداری جامعه و نظام اخلاقی و همچنین ایجاد نظم، نقشی محوری یافته. طبق متون تائوته چینگ و نیز در بسیاری از تعالیم اخلاقی لائوتزو تاثیر نقش این دو قاعده (خیر و شر) به وضوح دیده می‌شود. که در واقع منشاء این دو قاعده، همان تضاد بین اساسی‌ترین ساختار طبیعت، یعنی، دو عنصر مکمل، بین (زمین، منفی، مونث) و یانگ (آسمان، مثبت، مذکر)، می‌باشد. که این دو، بعنوان سرچشمه‌های دگرگونی و نماد های آفرینش اند. و هماهنگی بین آنها، باعث نظم در هستی می‌گردد. لذا سوال قابل طرح این است، که تاچه حد، این دنیروی درجهان بینی و سلوک فردی تائویی، نقش اساسی را ایفاء می‌کنند؟ و چگونه می‌توان بین این دنیروی تعادل ایجاد کرد؟

بدین ترتیب پژوهش حاضر به بحث و بررسی نقش نیروهای خیر و شر در کیهان‌شناسی و انسانی‌شناسی تائوئیسم براساس متون تائوته چینگ می‌پردازد.

کلیدواژه: هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، خیر و شر، تائوته چینگ، بین و یانگ

دانشجوی دکتری ادیان و عرفان، گروه ادیان و عرفان، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران^۱

استادیار گروه ادیان و عرفان، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)^۲

استادیار گروه ادیان و عرفان، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران^۳

دین دائو مجموعه ای از باورها، مناسک و اعمال مذهبی به همراه یک سری خرافات و اوهام بود. که البته بعدها رنگ فلسفی - عرفانی به خود گرفت. و محور اساسی اعتقادی آنها، احترام و عمل کردن به راه طبیعت و همچنین تسلیم در برابر قانون ازل و ابدی دائوست، نه کسب مقام، قدرت و ثروت. هستی شناسی دئویی، کل هستی را از پیوند دوانرژی بین (منفی) و یانگ (مثبت) می داند که این دو عنصر، اگرچه متضادند ولی مکمل یکدیگرند. و هر دو بعنوان منشاء آفرینش در جهان شناختی چینی می باشند. تازمانیکه بین این دو نیروی متضاد هماهنگی و تعادل وجود داشته باشد، کلیه امور هستی بر پایه سعادت و خوشبختی و به دور از هرگونه رنج و سختی خواهد بود ولی با ایجاد دگرگونی در تعادل این دو نیروی اساسی (خیر و شر)، جهان نیز بابتی نظمی و بی تعادلی فراوانی مواجه خواهد گشت.

بحث کلیدی دیگر در جهان بینی دائویی، مفهوم انسان مقدس (شنگ-ژن) در حوزه انسان شناختی می باشد. و انسان حقیقی و مقدس کسی است که با پیروی از قانون ازل و ابدی دائو و احترام گذاشتن به طبیعت به رستگاری خواهد رسید. لذا پیروی از نظم کیهانی و نیروهای های خیر (شن) و مبارزه با نیروهای شر (کوی) موجب تعادل در نظم طبیعت؛ تعادل اخلاق، رفتار و جسم و روان می گردد. بدین ترتیب سئوالات اساسی که در این خصوص مطرح می گردد، این است که:

آیا در آئین دائو هستی (جهان اکبر) و انسان (جهان اصغر) از این دو نیروی متضاد متأثر گشته؟ و این تأثیر به چه میزان و چگونه است؟ همچنین برای حفظ نظم کیهانی و رستگاری، انسان باید چه تدابیری را بیاندیشد؟

با توجه به اینکه در رشته ادیان در دین دائو در مورد تأثیر نیروهای خیر و شر در کیهان شناسی و انسان شناسی به زبان فارسی تحقیقات علمی به مقدار کافی صورت نگرفته و اگر منبعی هم یافت شود یا معتبر نبوده و یا اینکه بیشتر مطالب آنها شبیه بهم و تکراری بوده. از این رو برای رسیدن به متنی قابل استناد و معتبر در حوزه دائوئیسم نیازمند به ترجمه متون، دایره المعارف های انگلیسی و منابع معتبر می باشد.

همچنین، در کنار کتب و آثار مفید و اندکی که در رابطه با بخشی از این موضوع نگاشته شده، می‌توان به مقالاتی با عنوان «مقایسه انسان اخلاقی مطلوب در اسلام و دائوئیسم با تاکید بر نهج البلاغه و تائوته چینگ (حسن رهنمایی)»، بررسی مفهوم زهد در اندیشه حمدون قصار و لائوتسه با تکیه بر مفهوم ملامت و ووی (قربان علمی، حسین امیدی) و عرفان دائو (عصمت اسلامی) اشاره نمود.

بدین ترتیب جنبه نوآوری پژوهش حاضر، به علت بیان اهمیت و نقش نیروهای خیر و شر در حوزه‌های: کیهان‌شناسی و نیز انسان‌شناسی بر اساس متون مقدس تائوته چینگ در آئین دائو می‌باشد.

- روش پژوهش:

پژوهش حاضر، بحث پیرامون نقش نیروهای خیر و شر در هستی‌شناسی و انسانی‌شناسی دائوئیسم بر اساس تائوته چینگ می‌باشد که به عنوان اصلی اساسی و معتبر در این دین مطرح است. روش و نوع ابزار تحقیق پژوهش حاضر بر اساس توصیف و تحلیل مطالب گردآوری شده از منابع کتابخانه‌ای و ترجمه متون با نگرش بر دین‌پژوهی، فرهنگ‌شناسی و اسطوره‌شناسی توام است که از منابع معتبر تاریخ ادیان، مردم‌شناسی فرهنگی، روانشناسی اجتماعی - دینی و پدیده‌شناسی استفاده گردیده است.

۱ - معرفی آئین دائو و بنیانگذاران:

دائو (Dao) یعنی راه و روش یا قانون حاکم بر هستی و حیات (هرنوع هستی و حیات). این واژه در خط چینی، از سه نشانه ترکیب یافته: یکی به معنای (رفتن)، دومی به معنای (مستقیم)، سومی نیز به معنای (دل) است. وقتی که این سه نشان در کنار هم گذاشته می‌شوند، معنی «راه سپردن در خط مستقیم درک درونی» را می‌دهند. (لائوتزو، ۱۳۷۳، ص ۶)

دائوچیانو (Dao-Jiao) و دائوجیا (Dao-Jia)، دین و فلسفه‌ای را شکل می‌دهند که به عنوان دائوئیسم (Daoism) شناخته می‌شود. دائوئیسم یکی از سه عمده مکاتب اعتقادی چین می‌باشد، که به همراه مکاتب کنفوسیوس و بودیسم با نام سان چیانو (سه مذهب، San-Jiao) لقب گرفته. و این مکتب تاریخچه‌ای گسترده، پیچیده و پرفرازونشیبی در چین

دارد. زیرا این دین مشتمل از دویبخش دین مردمی و دین فلسفی با ریشه‌هایی جداگانه است که همچنان به طور کامل در یکدیگر تنیده شده‌اند. همچنین این آئین تاریخی، با سایر ادیان و مذاهب چین نیز در تعامل است. (Bowker, 2007: 182)

بنیانگذار این آئین، فردی از ایالت چو به نام لائوتزو است که در قرن ۶ قبل از میلاد میزیسته. وی یکی از بزرگترین فیلسوفان قبل از کنفوسیوس بود که به حکمت سکوت و آرامش آگاهی کامل داشت. شغل او نیز کتابداری و کتابخوان سلطنتی بود. لائوتزو هنگامی که می‌خواست چین را ترک کند به درخواست دروازه بان شهر، کتاب تاؤوته چینگ (راه فضیلت) را نوشت. سه آئین (دائو، کنفوسیوس، بودا) در چین نه تنها در کنار هم زیسته‌اند، بلکه با هم آمیزش نیز داشته‌اند. بسیاری از چینی‌های متدین در مراسم عبادی این سه دین مشارکت می‌کنند و در نگاهداری از هر سه آنها می‌کوشند

مبدا و اصول اصلی این دین، مبتنی بر زهد، ریاضت، اعمال جادویی، طریقت، انزوای اخلاقی، عبادت و توجه به یک نیروی روحانی به نام دائوست. (Copper, 2010: 1-5)

بدین ترتیب، در مذاهب چینی، سنت دائویی که اغلب به عنوان حلقه ارتباط بین سنت کنفوسیوسی و سنت مردمی عمل می‌کند، عموماً از کیش رسمی و دولتی آئین کنفوسیوس رایج تر و خودجوش تر است. و نسبت به مذهب مردمی، پراکندگی و بی‌شکلی کم‌تری دارد. همچنین فلسفه و آئین دائویی به تمام فرهنگ‌های آسیایی که زیر نفوذ چین قرار داشتند، راه پیدا کرده است. (مینگ، ۱۳۸۴، ص ۶۶)

۲- متون مقدس آئین دائو :

ذخیره ادبی عمده دین دائو، سندی است که معمولاً آن را به خود لائوتسه نسبت می‌دهند. عنوان این سند تاؤوته چینگ می‌باشد. گاهی این کتاب را، کتاب پنج هزار خصلتی می‌خوانند، زیرا هشتاد و یک فصل مختصر آن تقریباً حاوی بسیاری از خصلت‌های مکتوب چینی است. و دارای دویبخش است:

۱ - دائو (دائو، متعالی) و ۲ - تی (دی، اولین محرک ازلی که به صورت مونث، حیات یا انرژی اولیه مشاهده می‌شود). (هینلز، ۱۳۸۹، ص ۴۶۳)

می توان گفت ، داثوده جینگ متن یا کتابی است که با راهنمایی اذدرک درونی (دل) ، ازراه وروش هستی و حیات پیروی مستقیم می کند. (لائوتزو، ۱۳۷۳، ص ۶) همچنین داثوده جینگ جزومعدود کتابهایی است که تاکنون بیشترین تعداد ترجمه را درجهان به خود اختصاص داده وبه دلیل روشنی شگفت آوروبی بدیلش توانسته است درمرزهای جغرافیایی وفرهنگی گرامی داشته شود. همچنین می توان درکنارمتون داثوده جینگ ، مجموعه ای از تعالیم نهایی لائوتزو یعنی متون کهن ومقدس (هواهوچینگ) وکتاب مذهبی - عرفانی تقدیرات (آی چینگ) را بعنوان سه گانه ی کلاسیک داثوئیستی نام نهاد. (والکر ، ۱۳۹۴، ص ۷) داثوده جینگ دارای متونی رمزآلودمی باشد ودرواقع نوعی خردباستانی به شمار می رود که درجایگاهی هم طراز مثلا نوشته های افلاطون قرارمی گیرد. واهمیت آن محدود به یک زمان یا مکان بخصوصی نیست ویک کلاسیک جهانی محسوب می گردد. همچنین از موضوعاتی مانند : زندگی ومرگ ، هیجانان واحساسات آدمی ونیزموضوعات بحث انگیز اجتماعی نیز صحبت می کند . (مولر، ۱۳۹۴، ص ۱۰) قابل ذکر است که مطالب این کتاب حاوی یک سلسله مواعظ وکلیاتی است که به گونه نامنظمی تنظیم یافته اند، البته به استثنای سه فصل ازکتاب که شامل اشاراتی درزمینه شرح حال لائوتزو بیان گردیده. ومعدود اشارات کلی نیز به وضعیت اجتماعی چین درآن ایام صورت گرفته . همچنین برای نخستین بار امپراتور، چینگ تی (در سالهای ۱۵۶ تا ۱۴۰ قبل ازمیلاد) تائوته چینگ را به عنوان یک متن کلاسیک به رسمیت شناخت . وتوسط فرامین متوالی ، آزمون کتاب تائوته چینگ برای فارغ التحصیلان دوره دوم تحصیلی اجباری اعلام شده، وهرکس بایدیک نسخه ازاین کتاب را داشته باشد. حتی آن را درهردوپایتخت چین برروی سنگ حک کرده اند. که بعدها نسخه چاپی این کتاب بین تمامی مدیران آموزش وپرورش چین توزیع شد، ونیزآن را به زبان تاتارهای نوچن ترجمه کردند. (هیوم، ۱۳۸۰، ص ۲۲۰ - ۲۲۱) لائوتزو درهمان فصل اول داثوده جینگ هشدارمی دهد که مفهوم سازی وبیان کردن تجربه عرفانی ، اگرغیرممکن نباشد، کاملا نسبی است. برای توصیف نامتناهی می توان کلماتی نظیر(اسرارآمیز) و(راه ورودبه تمام سرها) رابه کاربرد. لیکن خود تجربه امری شهودی وفراترازکلمات است. با این حال، داثوده جینگ تلاش می کندتا تجربه اتحادبا متعالی رابرحسب طبیعت توصیف کند.(هینلز، ۱۳۸۹، ص ۴۶۴) لذا این کتاب مقدس چینیان ، حاوی بسیاری از رازهاست . که طبق آن راههایی را می آموزد که این آموزه های مرموز، اغلب مخالف عقیده عمومی هستند . امامبه دقت درجهت برانگیختن اندیشه های

شخصی به کار می افتند. و تنها نوعی استنباط را ارائه می دهد و نه مشی و طریق را، که یافتن راه به عهده خود رهرو می باشد. (کالتنمارک، ۱۳۶۹، ص ۵۷)

۳- بن مایه های نیروهای خیر و شر در آئین دائو:

بن مایه های اعتقاد به نیروهای متضاد و همچنین نبرد این دو را می توان در اسطوره پیدایش نظم از بی نظمی و تداوم نظم مشاهده کرد، انسان نخستین یا پانکو با جداساختن زمین از آسمان، عالم را نظم می بخشد و جسدش، آسمان و زمین را شکلی تازه می دهد. به گونه ای که با پدید آوردن بخش های مختلف زمین، آنها را از هم متمایز می سازد. ولی بعدها نبرد آغاز می شود و گونگ گونگ (هیولای مخرب) محیط زیست را تباه می کند. اما با درایت ایزدبانوی مادر، الهه نوگوا مجدداً نظم به جهان بازگردانده می شود. و دیگر اینکه چینیان بر این باورند که هستی به دو بخش مکمل ولی متضاد تقسیم شده، بخش زمینی، سایه، تاریک، مونث، رام و سرد یعنی «یانگ» و بخش آسمانی، آفتاب، روشن، گرم، فعال و ستیزه جو. که این دو عنصر یعنی آسمان و زمین نمودار جنبه های مکمل کلیت هستی به شمار می آیند. (روزنبرگ، ۱۳۷۵، ص ۱۰۲)

طبق اصول اعتقادی چینیان، آنها از دیرباز، به دومبداء خیر و شر قائل بودند، از یکسو ارواح طیبه نیاکان و نیروهای آسمانی، و از سوی دیگر ارواح خبیث و اهریمنی و نیروهایی که در زمین قرار داشتند. پیروان آئین دائو ارواح در گذشته جامعه بزرگ را که با تجسد خدایان خردمند و نیکوکار بسیار فاصله داشتند، موجودات والای بسیار خطرناکی می دیدند، که هرچه نقش آنها در زمان حیات گسترده تر بود، پس از مرگ نیز خطرناک تر بودند. این اهریمنان هولناک که اغلب در زمان حیات، روسای نظامی تاثیرگذاری بوده اند، در واقع در جهان مردگان هم رهبر ارتشهای عظیمی از سربازان اهریمنی متشکل از زیردستان بودند که آنها مسبب جراحات بیشمار و اغلب مهلک هستند. (مولیر، ۱۳۹۲، ص: ۸۹) لائوتزو در این خصوص بیان می کند: « به این دلیل که همه افراد درد دنیا (زیبا) را زیبای انگارند، اندیشه زشتی پاعرصه هستی می گذارد. از آنجا که همه مردم خوب را خوب می انگارند، اندیشه (بد) پابه عرصه وجود می نهد. دقیقاً وجود عدم وجود از یکدیگر زاده می شوند، سخت و آسان مکمل همد، کوتاه و بلند در تخالف باهم ظهور می کنند، و بلندی و پستی به هم تمایل می یابند، و زیروم، پیش و پس از پس هم می آیند. » (ایزوتسو، ۱۳۹۴، ص ۳۴۰) همچنین طبق نظریه وابستگی متقابل، از آنجا که

ولایت وجود دارد، وفات نیز هست و از آنجا که وفات وجود دارد، ولادت نیز هست، به همین منوال، چون خوب هست، غیر خوب نیز هست و چون غیر خوب هست خوب نیز هست. (همان، ص ۳۴۷)

بدین ترتیب جهان از جفتها یا اضداد تشکیل شده است. و همه چیز در جهان از «یو- yu یعنی بودن» و «یو نیز از» و «WU یعنی نبودن» بوجود می آیند. و آسمان و زمین و ده هزار چیز از بودن «یو» زاده می شوند و بودن از نبودن «وو» زاده می شود. (دائوده جینگ: ۴۰، ص ۸۰) و آنچه انتقال از حالت وو به یو را میسر نمود، دائو، آن راز سر به مهر کیهانی بود (قرایی، ۱۳۸۵ ص ۶۷).

۴- ارواح خیر و شر در آئین دائو:

این کیش باستانی را می توان نوعی جان پرستی نامید، زیرا اصول آن، ارواح را در زندگی انسان دخالت می دهد. بطور نمونه، ارواح نیاکان مقدس اولیه، اجداد پدری بودند، ولی اکنون معتقدند که در قدیمی ترین جامعه چین یعنی متعلق به پیش از یک هزار سال قبل از میلاد مسیح (ع)، مراسم ابتدایی به ارواح نیاکان مادری تعلق داشت و این ارواح از جایگاه ویژه ای برخوردار بودند، طوری که فقط ارواح نیاکان مادری می توانستند دوباره در نوزادان حلول کنند و بشکل انسان در آیند. چینیان در آداب دینیشان، آثار نیاکان خود را در روی الواح معبد اجدادیشان قرار می دادند و خاطرات آنها را تجدید می کردند و در حالات سخت از آنها کمک می خواستند. همچنین چینیان باستان به ارواح آسمان، زمین، آبها، کوهها و جنگلها نیز اعتقاد داشتند (شاله، ۱۳۴۶، ص ۱۶۷ - ۱۶۶)

بدین صورت در باور چینیان دو نوع روح وجود دارد:

۱- ارواح خیر (شن Shen): موجوداتی مقدس و آسمانی هستند. (بیرل، ۱۳۸۴، ص ۳۲) در چین باستان برای دور کردن گویی ها و دیگر شیاطین، نقاشی از شن ها جهت پاسداری، بر سردر ورودیهای شهر، معابرو لنگه های در می چسبانند. (کریستی، ۱۳۷۳، ص ۱۹۰) همچنین آنها بر این باور بودند که ارواح اجدادیشان از نوع شن ها هستند. (ذولفقاری، ۱۳۸۹، ص ۱۲) همچنین نفس روحانی انسان یعنی (هون) که متعلق به یانگ است، پس از مرگ به آسمان می رود و تبدیل به یک روح خیر یعنی (شن) می گردد. پس از آنکه جسم مُرده با همه تشریفات لازم دفن شد و روح نیا مورد

تکریم اعضای زنده خانواده فرارگرفت، (هون) نیز عضو خرسندی از خانواده باقی می ماند و چه بسا فوایدی هم برای خانواده داشته باشد. که واژه شن به این ارواح نیایی نسبت داده می شود. (آدلر، ۱۳۸۳ ص ۸۳) لذا شنها روحی عالی هستند که در قلب آسمان جای دارند و مخالف گویی ها هستند و سرانجام به دائو برمی گردند. (ویلهم، ۱۳۹۸، ص ۱۴۳) همچنین چینیان باستان اعتقاد داشتند که ارواح اجدادیشان تبدیل به اژدها می گردد که بعنوان خدای نیکوکاری است و بریاران و مسیر آنها حکمفرمایی می کند. (فیتس جرال، ۱۳۸۴، ص ۴۱)

۲- ارواح شرّ (گوی Gui): ارواح آزارگر انسان هایی هستند که پس از مرگ به سبب خودکشی و بدکرداری نتوانسته اند رهایی یابند و در هیات ارواح شیطانی و خبیث به زمین و زاد گاه خود بازگشته اند، بدین دلیل که دوره خود را در آنجا که سرنوشت آنان است به پایان ببرند و پس از پایان این دوره، ارواح گویی به دوزخ می روند. و این ارواح خبیث گاهی به هیات انسانی درمی آیند تا دیگران را آزار دهند. تپه ها، خرابه ها، خاکریز حفاظ مقابر و ستونهای آرامگاه وزیر سری های قدیمی چینی و همچنین بین سنگها و درختان کهن جایگاه این نیروهای شوم است. (همان، ص ۱۹۲ و ۱۹۱) و انسان برای فرار از این ارواح بد که در تاریکی و ظلمات هستند، باید به نورو روشنایی متوسل شود. (ذولفقاری، ۱۳۸۹، ص ۱۲) پس نفس مادی انسان یعنی (پو) که متعلق به بین است، پس از مرگ با جسم به خاک می رود و تبدیل به یک شبح و روح شرّ (گوئی) می گردد. که بسیار روحی انتقام جو و عصبانی است که برای خانواده در دسر درست می کند، که به هر قیمتی با ید از این دوری کرد. (همان، ص ۸۴) همچنین چینیان معتقدند که اشباح کوئی، شبح روح شخص مرده ای است که خانواده ای ندارد تا برایش آئین نیافرستی برگزار کنند، یا این که مرگش به شکلی غیرعادی رخ داده، یا مثلا جسدش در دریا گم شده. همچنین ارواحی که جایگاه شایسته ای در اجتماع نداشتند و از این روبه حاشیه جامعه رانده شده اند، مانند: گدایان و دزدان که اغلب با آنها مقایسه می شوند. که این اشباح هم خطرناکند و هم قابل ترحم. و به همین دلیل مردم صدقه به آنها می دهند، چنانکه به یک گدای زنده میدهند. و این کار همیشه بیرون خانه و پشت در عقب خانه انجام می گیرد. و در ماه هفتم قمری که مصادف است با ماه اوت میلادی، عیدی بعنوان «تغذیه اشباح» که یکی از اعیاد بزرگ بودایی است در چین برگزار می گردد و مردم سفره های بزرگی را برای اشباح سرگردان و گدایان زنده می گسترند. لذا خدایان و ارواح نیاکان یانگ به شمار می روند ولی اشباح کوئی ها بین محسوب می شوند

و همیشه مزاحمند. (ادلر، جوزف، ۱۳۸۳، ص ۱۶۰) بدین ترتیب موجوداتِ موزی و هیولایی، تجلی از مرگ و تجسمی از شیطان هستند که همواره در کار هراساندنِ موجوداتِ زنده بودند. آنها درهمه جا بودند و می توانستند به هر شکلی درآیند و صرفاً اشاره کردن به آنها، هراسِ هولناکی را ایجاد می کرد و آنها بصورت حیوانات، گیاهان، مواد معدنی، اشیای کهنه و نظایر آنها هستند. اما پرکارترین و ترسناکترین آنها ارواحِ درگذشتگانی هستند که نابهنگام، از طریقِ خشونت و بیماریِ خود روبه رو شده اند. آئین داتو با دیدگاهش درباره خیر و شر، نوعی راست کیشی را وضع کرد و وثاقت و استواری خود را تضمین کرد. و طبقِ نظمِ کیهانیِ نوین سه آسمان (san tian)، دورانِ نیکی باید تاابد جایگزینِ دورانِ سپری شده شش آسمان (liu tian)، یعنی دوره حکمرانیِ مرگ و پلیدی شود و نهادِ دائویی خود را تنها تضمین کننده نظمِ نوین جهانی، و انسانها را مدیر مطلق و خدایان را نیز بعنوانِ قانون گذارِ اعظمِ اهریمنان معرفی کرد. دائوئیستها، بیماری را راهی برای ورودِ نیروهای شرّ و اهریمنی می دانند، زیرا بیماری ریشه در رفتارهای ناشایستِ اخلاقی و دینی دارد، حال این بیماری جسمی باشد و یا روحی، که در هر دو صورت نشانگر گناهکاریِ فردِ بیمار است. و پیدایش رنج و درد گواهی بر حضورِ ارواحِ خبیث و شرّ بر روی زمین است. لذا پیروان داتو معتقدند، از سن هفت سالگی که سنّ خردمندی انسان است، افرادِ بیمار بایستی طی مراسم دینی به گناهانِ خود اعتراف و اظهار ندامت کنند و همچنین درخواستها و طلسمهایی را برای بهبودِ خود فراهم آورند. تا اینکه درمان حاصل شود. حتی به عقیده پیروان داتو، گاهی نیروهای اهریمنی با هم می جنگند تا یکدیگر را نابود کنند و گاهی نیز اهریمنان طی سوگندی تغییر جهت می دهند از شرّ به سوی خیر و راستی و وفاداری. و حتی برای خدماتِ خوب، پاداش نیز دریافت می کنند و مسبب خیر و نیکی می شوند. همچنین به اهریمنانِ نافرمانی که لجوجانه در کنار می مانند و به شرارت خود ادامه می دهند، هشدار داده می شود که از قوانین داتو اطاعت کنند وگرنه سرهایشان خرد و تکه تکه خواهد شد. (مولیر، ۱۳۹۲، ص ۱۰۳، ۹۸)

چینی ها هر ساله روز پنجم از ماه پنجم را با مسابقاتِ قایق های ازدها گونه در رودخانه ویا خواندن شعایی به منظور سالم و امن نگه داشتن کودکانِ خود از بیماریهای تابستانی، جشن می گیرند. که این شعایر تماشایی دائویی برای دفع کردنِ جنّ و پری و بیماریهای طاعون در سراسر مناطق ساحل چین مشاهده می شود. دائویی ها شعایر مختلفی را برای شفابخشی و سعادت تدارک می بینند. و در نظام چینی سه مجری مختلف برای انجام مراسم دینی هست، ۱- واسطه تسخیر ارواح

۲- شمن که به عالمِ مردگان، چه زیرزمین و چه در آسمانها، سفر می کند. ۳- کاهن که با روح احضار شده سخن می گوید. (هینلز، ۱۳۸۹، ص، ۴۵۸، ۴۶۰)

۵- هشت روانِ خیر و جاوید (شیان):

در میان چهره های عجیبی که در صفحات ژوانگ - ذی جای گرفته اند، نوع بسیار ویژه ای از موجودات معنوی یافته وجود دارند که دوازدهمین متلاطم آدمها استقرار دارند، آنها هوا می خورند و شبنم می نوشند، و این انسانهای کامل از سرما و گرما مصونند و آنها قدرت پرواز دارند و توصیف می شوند که با حرکت بال مانند (شین) به بالا می روند. که به این موجودات روحانی و متعالی، عنوان فنا ناپذیران (شین) داده شد. که بعدها بسیار مورد توجه قرار گرفتند. و توصیف های ناب ادبی از آزادی آنان، تحرک خیره کننده، و جوانی همیشگی شان، توسط نسل های بعدی به عنوان هدف های عملی تعبیر شد. و مردم با روشهای گوناگون کوشیدند که این کیفیت ها را در منش خود بدست آورند. (مینگ، ۱۳۹۷، ص ۷۶) در افسانه های دائوئیستی، هشت جاودان، اشاره دارد به قدیسنی که به نامیرایی دست یازیده اند. آنان به اسرار و رموز طبیعت آگاه هستند و هر کدام بسته به ویژگی خاص خود می توانند به یک «ابزار اقتدار» بدل شوند که برای زندگی بخشیدن و دفع نیروهای شرّ به مدد آیند. آنان نماد سعادت و عمر طولانی اند. شاید هشت شعاع نیرومند انرژی، اشاره به این نامیرایان و کیفیت خاص وجودی شان دریاری رساندن و حمایت گریز داشته باشند. (هوآوچینگ ۱۲، ص ۴۰)

اعتقاد به هشت روانِ جاوید (نیروهای آسمانی و متعالی)، بخشی از تاریخ شفاهی چین باستان بوده. که آنها در آثار نویسندگان سلسله های مختلفی مانند: تانگ، سونگ، یوان و مینگ ثبت شده اند. در اساطیر چینی، اعتقاد بر این است که این هشت روانِ جاوید بر اساس طبیعت واقفند و هر یک از آنها بعنوان نمایندگان مردان، زنان، پیران، جوانان، ثروتمندان، نجیب زادگان و فقرای چینی هستند. که هر قدرتِ جاودانه را می توان به ابزاری از قدرت و نوعی طلسم همراه، با معنای معینی منتقل کرد که می تواند نیروهای شرّ را از بین ببرد. بر روی هم این هشت قدرت مقدس که زمانی، قدیسانی زاهد در افسانه های دائوئیستی بودند را به عنوان «هشت جاودانگی پنهان» نام گذاری کرده اند. که این

نامیرایان مقدس نه تنها توسط پیروانِ دائو، بلکه بین اکثریتِ جامعه چین مورد احترام ویژه ای هستند. واسامی آنها عبارتند از:

۱- اوشیان کو (Oshian Qou): زن جاویدان، وی دختر یک مغازه داری بوده که ریاضت بسیاری پیشه کرده بود. هلوی جادویی را خورد و جاودانه شد. او را به حوضچه نیلوفرآبی نسبت داده اند که قادر است مردم را از طریق مراقبه و ریاضت، پرورش دهد.

۲- کائوکوجیو (Cao Qou Jiw): او برادر یک امپراتور قرن دهم بوده، و به وی قرص یشم نسبت داده می شود که می تواند هوارا از هر نوع آلودگی، تصفیه و تطهیر کند. وی ارشاد کننده قاتلین است.

۳- دای کوای لی (Die Quai Li): وی به دلیل مهارت فراوان در سحر و جادو، توانست روح خود را از بدنش خارج کند و با دیگران در قلمرو آسمانی ملاقات کند. او را بصورت گدایی لنگ که حمل کننده کدوتنبل است، نشان می دهند. که کدوتنبل نمادی برای جلوگیری از نیروهای شر است. و او به عنوان کسی است که به فقرا کمک می کند.

۴- لان کای (Lan Cai): خدای حامی گل فروش هاست. ویژگی او سبدهای گل است که با طول عمر همراه است.

۵- ژونگلی کوآن (Zhongli Quan): وی در دوره سلسله ژو میزیسته. از جمله قدرتهای بسیار او انتقال و دانش اکسیر زندگی بود و ویژگیش این است که می تواند مردگان را به زندگی بازگرداند.

۶- هان شیانگ زی (Hun Shiang Zi): او بعنوان یک مردی مقدس معرفی می شود. که ویژگی او توانایی کمک به رشد سریع و گل دادن گلها و همچنین رام کردن حیوانات وحش بود. او را با نواختن فلوتی که باعث رشد و نمو گلها بود ترسیم می کنند. او مقیم کوهستان وعاشق تنهایی است.

۷- ژانگ کوا لائو (Zhang Qua Lao): وی بعنوان نمادی برای مردان سالخورده است و با قاطر سفیدرنگی نشان داده می شود. وی به کسانی که فرزند می خواهند کمک می کند.

۸- لی دونگ بین (Li Dong Bin) : وی را با شمشیری درپشت ، ترسیم می کنند . وی به عنوان یک دانشمند ، موردستایش قرار می گیرد. ویژگی او آنست که می تواند با شمشیر خود با نیروهای شرمبارزه کند. همچنین محبوبیت او در رابطه با پزشکی و شفاسات . (Bowker,2007,p:188)

۶- خیر و شر در اسطوره آفرینش (جهان و انسان) :

دراکثر اسطوره ها نکته قابل توجه در بحث خلقت هستی ، وجود یک خالق توانا در نقطه آغازین می باشد. اما در اسطوره های چینی سخنی از خالق اولیه به میان نمی آید. و وجود یک نوع بی نظمی و آشوب در نقطه آغازین آفرینش که به شکل یک تخم (هوندون) است ، مطرح می گردد. هوندون موجودیست آشفته و متراکم که فاقد چهره یا هر نوع سوراخی در چهره است . (بیرل، ۱۳۸۹: ص ۱۶) که سرانجام دائو و راه طبیعت به این آشوب و بی نظمی خاتمه می دهد . (قرایی، ۱۳۸۸: ص ۶۶)

سپس خلقت آسمان (یانگ) و زمین (یین) بعد از آشفته‌گی نخستین صورت می گیرد و آفرینش موجود نخستین یعنی (پانکو) نیز از این آشوب و بی نظمی به وجود می آید. که در واقع با ترکیب دونام (شو) و (هو) به این بی نظمی پایان داده می شود و این ترکیب به معنی آذرخش می باشد که توسط آذرخش است که از بی نظمی و آشوب ، انضباط و شکل آفریده می شود. (کریستی ، ۱۳۸۴: ص ۷۴، ۷۰)

بدین صورت در اسطوره آفرینش سنتی چینی روایت شده : در آغاز جهان ، هیچی بجز یک تخم گول ، که درونش گرد ، تاریک و آشوب بود، وجود نداشت . بارام شدن اسب چموش آشوبگر، گول شروع به شکل گیری کرد و به موجودی کوتاه قد به نام پانکو (Panku) تبدیل شد. پانکو با نفسی جان خود را تازه کرد و به آرامی تکان خورد. سراسر بدنش را خارش و سوزشی فراگرفت و به محض اینکه چشمانش را گشود ، خود را در چنگال تاریکی که او را احاطه کرده بود، دید. گول با ضربه ای تخمش را شکست و خود را از زندان تنگ نجات داد. سپس نخستین گام هایش را بر روی زمین نورانی که بین (منفی yin) نام داشت ، نهاد. او خواست که تن خسته و کوتاهش را به سمت آسمان که یانگ (مثبت yang) نامیده میشد ، بکشد ، اما زیر پایش فرورفت و بر زمین افتاد. آنگاه پانکو، دستانش را ستون آسمان قرارداد و با تمام سعیش

آن را به سمت بالا کشاند و از زمین دور کرد و دانست که باید برای همیشه تکیه گاه آسمان باشد و گرنه می افتد و او را له خواهد کرد. پانکو روزهای زیادی را فقط مه و غبار خورد و چه شبهایی هم که خواب به چشمانش نیامد. در هر هفت روز، هفتاد پا درمی آورد و زمین و آسمان را از هم دورتر و دورتر می کرد. سپس بعد از ۱۸ هزار سال، بین ویانگ آنقدر از هم دور شده بودند که این موجود افسانه ای با خود اندیشید که دیگر می تواند استراحت کند و با خیالی آسوده دراز بکشد. آنگاه دستهای دردمندش را روی زمین گذاشت و به آرامی در خواب فرورفت و دیگر بیدار نشد. سپس از تک تک اجزای بدنش جهان هستی خلق گردید.

ایزدبانویی به نام ناگوا (موجودی نرم تن Nu Gua)، آن دنیای شگفت انگیزی را که از بقایای پانکو بوجود آمده بود را دید و آنرا تحسین کرد. او از صمیم قلبش خواست که با آنها ارتباط برقرار کند و با آنها زندگی کند. بدین ترتیب ناگوا تصمیم گرفت موجودی برتر را بسازد و از آسمان فرود آمد و تمام ساحلِ طلایی را برای یافتن مواد لازم برای انجام هدفش، زیر و رو کرد. سپس از گلِ زردکنار رود شروع به سفالگری کرد و با سعی فراوان، مجسمه هایی ساخت و به آنها قد و وزن متفاوت داد. به گروهی از مجسمه ها نفسی حیات بخش دمید و آنها تبدیل به جنس مذکر شدند یعنی (یانگ) و بخشی دیگر نیز جنس مونث شدند یعنی (یین). همچنین الهه ناگوا با شور و هیجان فراوان توانست از مابقی گل های رود زرد، تا هر چه زودتر فرزندانانشان را نیز خلق کند. بدین ترتیب مردم ناگوا بوجود آمدند و روستاهایی ساختند، چاه حفر کردند و به کشاورزی پرداختند و کارگران ماهری شدند و به زندگی خود پرداختند. تا روزی که تازش هیولایی زیرزمینی و شرّ به نام گونگ - گونگ (Gong-Gong) شادمانی و آرامش را از زندگی آنها سلب کرد. و با هجومش به سمت زمین، رودخانه هایی آتشین را همچون لشکری ازدیوان جاری کرد و بین مردم ناگوا وحشت و آشوب به پا کرد. اما اینهمه آشوب و آتش با درایت نیروی خیر یعنی الهه ناگوا فرونشست و دوباره مردم ناگوا در امنیت و آرامش به زندگی خود ادامه دادند. و نیروی خیر بر شرّ پیروز گشت. (پارکر ۱۳۹۹، ص ۲۸-۲۷)

همچنین قابل ذکر است که در دین دائو انسان نسبت به سایر موجودات هستی دارای منزلت ویژه ایست که در کنار تائو و طبیعت قرار دارد. که با احترام به طبیعت و عمل به قوانین ازلی دائو باعث ایجاد توازن و هماهنگی بین دنیوی و متضاد یعنی بین (منفی) و (مثبت) می گردد.

همانگونه که جهان خود را در صورت اجزای خردنشان می دهد، دائو نیز خود را در صورت انسانها آشکار می کند. گرچه جهان واجزای آن یکی نیست، لیکن از هم جدانیست. گرچه پیکره گیتی و پیکره انسان یکی نیست. اما از هم جدانیست. جهان واجزای آن، بدن ها و بودن ها، زمان و فضا، همه و همه جلوه هایی از دائوست. (هوآوچینگ: ۳۳)

۷- نقش دوانرزی متضاد یانگ و یین (خیر و شر) در جهان هستی:

این دوانرزی متضاد که در جهان معروف به فلسفه انرژی است، یکی از نظریات مهم لائوتزو می باشد. اساس فلسفه دائوئیسم این است که تمامی اجسام، اشیاء، ارواح، اشخاص، موجودات و پدیده های جهان دارای این دونیرو یادوانرزی (یانگ و یین) با خاصیتی مخالف و متضاد اما کامل کننده یکدیگر، هستند. یعنی جهان هستی و نظام طبیعت بوسیله تضاد این دونیرو در حال تعادل می باشد و این تضاد در همه موجودات جهان اعم از موجودات جاندار و بی جان وجود دارد. بدین ترتیب طبق فلسفه انرژی، جهان هستی بر دو قطب مثبت و منفی در حال تعادل است. نیمی از جهان، قطب مثبت (یانگ) و نیمی دیگر قطب منفی (یین) نام دارد. در عالم هستی تمام نیروها و پدیده هایی که با قطب مثبت (یانگ) ارتباط پیدا می کند مانند: آسمان، مثبت و خیر، روز، تابستان، جنوب، گرمی، مذکر، فعالیت، روشنی، خوبی، مهربانی، علم، سبکی، قدرت، شجاعت، انرژی و نرمی در یک طرف و تمام نیروها و پدیده هایی که با قطب منفی (یین) مرتبط هستند مانند: زمین، منفی و شر، شب، زمستان، شمال، سردی، مونث، انفعال، تاریکی، بدی، خشونت، جهل، ضعف، ترس، ماده و سختی در طرف دیگر قرار می گیرند. و این



دو قطب مثبت و منفی موجب تعادل جهانی هستی است و مدام این دو در حال گردش هستند یعنی سکون و رکودی در دو قطب مثبت و منفی (یانگ و یین) وجود ندارد. (ولی زاده، ۱۳۶۸، ص: ۵۱-۵۰) فعل و انفعالات «یین و یانگ» بر یکدیگر در زهدان مادر اسرار آمیز، انبساط و انقباض طبیعت را می آفریند. گرچه تمامی کائنات از این رقص زایشگر خلق شده اند، لیکن این تنها بخش ناچیزی از اوست. قلب او، قلب جهان است، ذهن او، ذهن جهان است، عملکرد زایشگر، خودبخشی از هستی انسان است و چون «یین» و «یانگ» در درون ما انسانها به عنوان موجوداتی تک و منفرد، کامل نیست، از این رومابا هم دیگر جفت میشوم تا آن دورا با هم ممزوج کرده و یک زندگی تازه را بارور کنیم. (هوآوچینگ ۶۵، ۱۳۹۴، ص:

بین ویانگ گرچه متضادهستند، اما مکمل یکدیگرند. و این دواصل وجوه «دائو» هستند. که دائونیز هسته اصلی جهان می باشد. همچنین هرگونه تغییر، ازتداخل این دونیروی اولیه که عناصر مثبت و منفی وجودند، ناشی می شود. و جریان پیچیده درونی نیروهای میان این دو قطب، منتج به ایجاد واستحاله همه چیز می شود. (یی چینگ، ۱۳۸۴، ص: ۳۹ و ۴۴) درواقع صحنه هستی محلی برای بازی بین ویانگ است، یعنی بازی دو ضد مکمل (مثبت و منفی، خیر و شر) که تعادل زنده ی جهان را نگه می دارند. « هرکه روی زمین زیبایی را زیبابداند، زشتی درست می کند. هرکه بدانده که خوبی، خوب است، بدی درست می کند. چونکه بود و نبود باهم پیدا می شوند. سخت و آسان مکمل یکدیگرند. دراز و کوتاه همدیگر را شکل می بخشند. بالا و پست به همدیگروابسته اند. نُت و صدابا هم موسیقی را می سازند. پیش و پس به دنبال همدیگر می آیند.» (دائوده چینگ، ۱۳۸۵، ص: ۱۸ - ۱۷)

بدین ترتیب شکل رمزگونه یانگ (روشن) و یین (تاریک) بیانگر دواصل اساسی متقابل است که با تکمیل کردن یکدیگر به انسجام و هماهنگی می رسند. درواقع هرکدام به درون قلمرو دیگری نفوذ کرده و در مرکز آن استقرار می یابد و در نهایت هر دو عنصر در دایره ای که رمز وحدت نهایی «تائو» است، به سکون می رسند. این دو دائما در حال جابه جا شدن هستند، و این جابجایی، جزو دور زندگی می باشد. که البته به یک مقصد نهایی حرکت نمی کند، بلکه پس از یک دور کامل به خود بازمی گردد. چونکه دراصل تمامی چیزهایی هستند. و این نمایانگر نسبی بودن تمامی ارزشهاست. و ازسویی دیگر بیان اصل مکمل بودن تضادهاست. همچنین تقابل این دواصل (یین و یانگ) کلیه تضادهای اساسی زندگی را در خود جای داده است. مانند: نیروهای خیر و شر، فاعل و منفعل، مثبت و منفی، ظلمت و نور، تابستان و زمستان، مونث و مذکر و..... (Smit, op, cit. p:211)

همچنین نقش این دونیروی متضاد در طب سنتی چین نیز حائز اهمیت فراوانی می باشد. چینیان بر این باورند که اجزای بدن دارای این دونیرو هستند. مثلا یانگ در قسمت پشت بدن و یین هم در قسمت جلوی بدن هستند. و عدم تعادل بین این دو عنصر در جسم و روح انسان باعث بروز بیماریهای گوناگونی می گردد. (اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۰)

لذا از کوچکترین تا بزرگترین عنصر در جهان بایستی دارای انرژی یانگ و یین برابر داشته باشند تا اینکه نظم هستی برقرار شود و اگر برخلاف این باشد یک نوع هرج و مرج فراگیر بوجود می آید. به عنوان مثال هنگامیکه نیروی یین زمین)

منفی) زیاد شود پیرو آن از نیروی یانگ آسمان (مثبت) کاسته می شود و تعادل بین این دو بهم می خورد و بدنبال آن بلاای طبیعی مانند زلزله و سیل و... ایجاد می شود و هرگاه نیروی یانگ آسمان زیاد گردد، در پی آن نیروی بین زمین نیز کم می شود و در نتیجه این ناهماهنگی، گرما و خشکسالی و... ایجاد می گردد.

۸- نقش نیروهای خیر و شر در خودشناسی انسان در آئین دائو :

اصلی ترین محور اعمال مذهبی پیروان دائو، مراقبه، زهد و عبادت است که مقصود از انجام این اعمال، تقویت اوضاع جسمی و روحی سالک می باشد. که برای بسیاری از سالکین، رسیدن به یک نوع اتحاد با دائوست. (آدلر، ۱۳۹۳: ص ۹۴)

سالک دائویی در مرتبه خودسازی نفس خویش موظف به اجتناب از اموری منفی و شر و تعیینات مادی و دنیوی است. زیرا اینها مانع رسیدن او به هدفش می شوند. در واقع ویژگی بارز زهد دائویی، بی توجهی به تن جسمانی، حتی امیال و آرزوهاست. همچنانکه لائوتزو تأکید دارد که «تن مادی موجب نکبت و خوار است» و انسانی که این توانایی را داشته باشد که بر نفسش پیروز شود، شایسته معرفت به عالم روحانی و درک ازدائومی باشد. و بدین ترتیب شخص زاهد در برابر خواست طبیعت و دائو، تسلیم، رضا و سکوت مطلق (و-وی) و همچنین دست کشیدن از متعلقات دنیوی را در رأس تمامی وظایفش قرار می دهد. زیرا تا ثوابطور ذاتی بدون هرگونه آرزو، میل و اندیشه است. و در صورتیکه، رهرو در این راه موفق شود، سربلند و پیروز می گردد. و در این مرحله است که به مقام فرزاندگی نائل می گردد.

لائوتزو در تعالیمش، دائما بروصول سالک به مقام رضا تأکید کرده و مسیر فرزاندگی را از اصل مهم رضا دانسته است. وی می گوید: آنکه روشنایی را می شناسد، ولی خود را در سایه نگه می دارد، الگویی برای همگان خواهد بود و زمانیکه الگوی عالم شد، فضیلت ابدی را نیز در کنار خود خواهد داشت. و سرانجام به سر منزل مقصود و مطلق، خواهد رسید. (هیوم، ۱۳۸۲، ص ۲۱۸)

نفس انسان درست به مانند میمونی است که در جنگل با سرعت از این سو به آن سو می جهد، او مسحور احساسات خویش است و مدام از آرزویی به آرزویی دیگر، از تضادی به تضادی دیگر و از باور خودمحورانه ای به باور خودمحورانه ای دیگر می رود. اگر تهدیش کنی، برای جانش می هراسد. پس بگذار این مینمون برود، بگذار حس ها، آرزوها،

تصادها، باورها، افسانه زندگی و مرگ بروند. فقط تنها در مرکز بمان و به تماشا بنشین، به دور از هرگونه تعلق دنیوی. (هواچینگ: ۱۰ ص ۳۶)

اگر انسان از اندرزهای دائو پیروی کند، نیروهای شرّ و شیطانی را از بین خواهد برد، اگرچه شیطان قدرتمند است ولی نیروهایش در او تاثیری نخواهد گذاشت و فرد خردمند و فرزانه همواره از آسیب شیطان در امان است. (دایر، ۱۳۸۹، ص ۸۱)

بدین ترتیب رهرو در مسیر زهد و خودشناسی، می آموزد که چگونه اندیشه، رفتار و گفتارش را تعالی بخشد و بر اصناف جامعه رفتاری نیکو داشته و در پی خدمت به خلق قدم بردارد. و پرهیز کند از: سلطه طلبی، خشونت، خودنمایی بردیگران، پرحرفی و ریا، جنگ و خونریزی و.... . و اینکه نگرشی مثبت به مرگ داشته باشد. یعنی به آن درجه از ایمان رسیده باشد که از مرگ گریزی نیست و هرگونه هراس را از خود دور کند.

۹ - نقش نیروهای خیر و شر در رستگاری و کمال انسان :

انسان یک جهان اصغراست و با هیچ مرز ثابتی از جهان اکبر جدا نمی شود. همان قوانینی که بر یکی از آنها حاکم است بردیگری نیز حکمفرمایی می کند، و از هر یک، راهی به سوی دیگری کشیده می شود. روان انسان و عالم کیهان نسبت به یکدیگر همانند جهان درون و جهان بیرون هستند. بنابراین انسان، ذاتا در تمام رویدادهای کیهانی شرکت می کند و به لحاظ درونی و نیز بیرونی با آنها عجین شده است. و تائو یا راه، همانگونه که بر طبیعت مرئی و نامرئی (زمین و آسمان) حکم می راند، بر انسان نیز حکمفرمایی می کند. (ویلهم، ۱۳۸۳، ص ۳۱)

همچنین انسان در تصویر کیهانی، از نیروی آسمانی که لطیف و ناب و روشن است و از نیروی زمینی که تیره و اهریمنیست تشکیل شده، بنابراین از بدو تولد، نیروی اهریمنی در او ساکن است و ذاتا در هر کسی این عناصر شرّ وجود دارند. در ابتدا انسان دارای هفت روان زمینی که پو (PO) نامیده می شوند، هستند که اینها متضادِ روان های خیر و الاهی و آسمانی به نام هان (Hun) می باشند. که به عنوان اجزای ضروری ذات انسان، این هفت روان یا پو در واقع شیطان درونی، و بیمارگونگی ذاتی انسان را می سازند. و هرچه قدر سرنوشت فرد استثنایی تر باشد، سهم اهریمنی او نیز بیشتر خواهد بود

ودانستن هویتِ ناشناسِ نیروهای شروشیطانی، فردِ عالمِ راقادرمی ساد تا بر این نیروها تسلط یابد و یا آنها را از بین ببرد. طبق نظام نامه اهریمن شناختی تائویی (نوکینگ گویلو) که مربوط به قرن چهارم یا پنجم می باشد و از نظام ارباب آسمانی (زانگ دائو لینگ) نشئت گرفته و در آن رفتار و اخلاقیات افرادِ زنده بصورت جدی تنظیم می گردد. تا اعمالِ قدرتی بر جهان مردگان و همه انواع ارواح (خیریاشر)، صورت گیرد. و همچنین با قدرتی بر تر بر مخلوقاتِ شیطانی پیروز گردد. همچنین در این نظام نامه فهرستی از ارواح و اهریمنانِ جهان، طبقِ قابلیتِ آنها برای خوبی و بدی نشان داده شده است. پس قدرتِ برتری بر نیروهای شرّ و اهریمنی و دیگر ارواحِ خیر به ارباب آسمانی واگذار شد تا کسی نتواند تندروی کند. (مولیر ۱۳۹۲، ص ۹۲ - ۹۱)

لذا هنگامی که انسان در سیرِ روحانیِ خود به مرحله نهایی اشراق می رسد، در این مرحله دیگر اثری از نفسِ او باقی نمی ماند، و همچنین تفاوتی میانِ او و طریقت باقی نخواهد ماند، و بدین صورت انسانِ کامل زاده خواهد شد. لائوتزو این مرحله را، مرحله هم آغوشی با «واحد» می نامد. و انسان مقدس، واحد را در آغوش می گیرد و از اینجاست که عبرتِ هر چیزِ دیگر در زیر آسمان می گردد. بنابراین انسان کامل از هر جهت نقشِ تمام نمایی از آسمان و زمین است. (ایزوتسو، ۱۳۹۴: ص ۴۸۲، ۴۷۷)

درواقع از دیدگاه لائوتزو، در رابطه با انسان، عملکردِ شرّ به دو صورت است: شرّی که از اراده و خواستِ انسان سرچشمه می گیرد و علتِ بوجود آمدنِ رنج می شود. و شرّ دیگری که متعاقبِ شرّ علی یا ارادی ایجاد می شود. که می توان به شرّ اخلاقی انسان اشاره کرد. که این شرّ می تواند منجر به بروز بیماریهای جسمی و روانی گردد. (Elmi&zarvani, 2017: 35-48) مردمی که با تائو کار می کنند، مردمِ تائو هستند، آنان به راه تعلق دارند و مردمی که با نیرو کار می کنند، به نیرو تعلق دارند و مردمی که با گم کردن، کار می کنند به گم شده تعلق دارند. پس خود را به راه بسپار و در راه دلت آسوده خواهد بود و همچنین خود را به نیرو بسپار و در نیرو نیز دلت آسوده خواهد بود. لذا خود را به

گم شدن بسپار که چون گم شوی دل آسوده باشی. (دائو ده چینگ، ۱۳۸۴: ش ۲۳)

آنان که شوراین را درسردارند که تائو را درخویش متجلی سازند، می بایست دل خویش را به روی تمامی جهان بگشایند، بازبودن به روی همه چیزها، بدین معناست که هیچ خشمی و هیچ مقاومتی در برابر هیچ باوری و یا چیزی، زنده یا مرده، شکل دار یا بی شکل، درخود نداشته باشی. پس پذیرا بودن، جوهرتائوست. (هوآهوچینگ: ش ۳)

۱۰- ارتباط نیروهای خیر و شر با خدایان جسم انسان :

درآئین دائو هماهنگی اعضای بدن با خدایان است. گفته شده است که خدایان در جسم انسان ساکن هستند. بنابراین جسم، جوهر کیهانی است. و هر عضو اصلی بدن با خدایی درارتباط است.

خدایان	اندام
شنگرفت نخستین، نگهبان مینوی	قلب
شکوفایی تابناک، پرکننده خلاء	ریه ها
دود اژدها، درخشندگی دوست داشتنی	کبد
تیرگی پنهان، تغذیه کننده بچه	کلیه ها
ازلی، آرامش روحی	طحال
پرتواژدها، درخشان پرابهت	صفرا

بدین صورت، درمورد بدن این گونه توصیف گردیده که، هر عضو، مانند صحن کاخ نیست که ریاست آن برعهده خدایی می باشد و آن خدا بر عملکرد صحیح آن عضو نظارت دارد. که وظیفه اصلی این خدایان درمان گری بوده و برکارکرد درست جسم نظارت دارند. (میلر، ۱۳۹۵، ص ۱۵۴)

دائوئیستها براین باورند که سه ماده یا صورت بنیادین «چی» که دراعمال دینشان بکار می روند و پرورش می یابند، متناظر با سه مرکز نیروی روحی در بدن انسان می باشند. که به آن «دان تیان» یا «میدان های شنگرفی» می گویند. که اینها درون سرو سینه، قلب و شکم جای دارند. و درهر میدان شنگرفی، یک خدا مقیم است که هم زمان این خدا

درستارگان نیز اقامت دارد. که این سه خدا را «سه گان یا سان یی» می نامند. و خبرگان می توانند با تجسم آنها ارتباط روحی با جهان آسمانی و فلکی برقرارکنند. و انسان می تواند با تطهیر خویش از آلودگیها، طبیعت جسمی و روحی خویش را جزء لاینفکی از دائو سازد. چرا که در دین دائو بدن لازمه تعالی معنوی است. همچنین اهمیت بدن در این دین، دلیل اهمیت علم کیمیاگری درونی را نیز برای خودسازی نشان می دهد.

که در این خصوص بسیاری از پیروان دائو، طبق تعلیمات اساتید کیمیاگر، گمان می کردند، ترکیب بسیاری از مواد و عناصر، موجب تطهیر درونی و جاودانگی آنها می گردد. که قویترین اکسیرها، کانی قرمز رنگ و درخشانی به نام شنگرف بود. و در طبیعت یافت می شد و قدرت و خاصیت این کانی، بخاطر یانگی (آسمانی) بودنش بود. که قادر بود انسان را از شر نیروهای پلید رها سازد. و بدین علت بود که بسیاری از کیمیاگران، این کانی را حرارت می دادند تا ایجاد سم کند. سپس آنها با مقدار بسیار کمی از این سم خود را مسموم می کردند تا به مرگی موقت دچار شوند و بتوانند از قفس جسم و زمین، برای مدت کوتاهی رهایی یابند و به آسمان (یانگ) که فاقد هرگونه نیروهای شیطانیست، صعود نمایند. (آدلر، ۱۳۹۲، ص ۹۸-۹۷)

- نتیجه گیری :

از بدو آفرینش هستی، دو نیروی خیر و شر با هم زاده شده اند، و تضاد این دو نیرو، آفرینش را هدفمند ساخته و سبب گردیده که انسان طبق آن، مسیر زندگی حقیقی خویش را با شناخت و انتخاب صحیح معلوم سازد. زیرا اصول اعتقادی انسان تحت الشعاع این دو مفهوم بنیادی قرار گرفته. بدین ترتیب جدال بین نیروهای خیر و شر، مفهومی بوده که از قدیم الایام بوده و تاکنون نیز ادامه دارد و نشانگر این است که جهان هستی و سرنوشت انسان بر این دوگانگی بنا گردیده.

در آیین دائو با توجه به وجود دو نیروی خیر و شر (یانگ و یین)، این اصل بسیار مورد توجه قرار گرفته، که اگر موجودات جهان مطابق جریان طبیعی خود حرکت کنند، به سوی کمال و رستگاری خواهند رفت. طبق همین اصل، اگر انسان بر

طبق قانونِ ازلیِ دائو زندگی کند، به مقصودِ نهایی خویش خواهد رسید. در واقع، آسمان، زمین و انسان‌ها می‌توانند خود را با دائو متناسب سازند و از این طریق از کمال وجودی خود بهره‌مند گردند. بدین ترتیب، کسانی که از راه دائو پیروی نمی‌کنند، شاید به طور موقت در اعمالشان اندکی کامیابی به دست آورند، ولی این کامیابی دوام چندانی ندارد، زیرا قانون ازلی و تغییرناپذیر دائو در برابر ایشان ثابت و استوار است. بنابراین هر حرکتی، اگر هم بر خلاف دائو به نقطه آخر برسد، بی‌درنگ بازگشت خواهد کرد، یعنی واکنش نشان خواهد داد. پس نظم جهانی را به هم خواهد زد. و سرانجام درد ورنج بوجود خواهد آمد. بدین ترتیب، اعمال مخالف دائو و طبیعت، انسان و هستی را روبه انحطاط و نابودی خواهد کشاند.

منابع و ماخذ:

- آدلر، جوزف، ۱۳۹۲، **دین های چینی**، ترجمه: حسن افشار، چاپ سوم، تهران: نشر مرکز
- اسلامی، عصمت، ۱۳۸۷، **عرفان دائو**، فصلنامه فرهنگی / هنری آفتاب اسرار، ش ۸، ۱۰۳-۹۶
- ایزوتسو، توشهیکو، ۱۳۹۴، **صوفیسم و تائوئیسم**، ترجمه: محمدجواد گوهری، چاپ ششم، تهران: نشر روزنه
- برنهام، سوفی، ۱۳۷۷، **فرشتگان**، ترجمه: فریده مهدوی دامغانی، چاپ اول، تهران: نشر پیکان
- بیرل، آن، ۱۳۸۴، **اسطوره های چینی**، ترجمه: عباس مخیر، چاپ سوم، تهران: نشر مرکز
- پناهی، مائده، ۱۳۸۸، **مکتب اشراق سهروردی و تائوئیسم چینی**، کتاب ماه فلسفه، ش ۲۳، ۱۱۲-۱۰۶
- پارکر، ویک، ۱۳۹۹، **افسانه ها و اسطوره ها**، ترجمه: نیلوفر عسگری، چاپ اول، تهران: نشر ارشدان
- توکلی، طاهره، کاظمی، افسانه، ۱۳۹۲، له وو-وی، مهمترین وصف انسان کامل از دیدگاه لائوزی، مطالعات عرفانی (مجله علمی-پژوهشی) دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان، ش ۱۸، ۸۲-۵۲
- داگلاس، آلفرد، ۱۳۸۴، **بی چینگ کتاب تقدیرات**، ترجمه: سودابه فضائلی چاپ دهم، تهران: نشر ثالث
- دایر، وین، ۱۳۸۹، **زندگی با حکمت تائو**، ترجمه: الگا کیایی، چاپ اول، تهران: نشر هیرمند
- دهقانزاده، سجاد و میرحسینی، زینب، ۱۳۹۸، **مبانی کیهان شناسی مکتب بین ویانگ**، پژوهشنامه ادیان، سال سیزدهم، ش ۲۵، ۹۴-۷۲

- ذولفقاری ، علی ، ۱۳۸۹، تمدن چین باستان ، چاپ دوم ، تهران : گوهر اندیشه
- راسخی ، فرزانه، ۱۳۸۷، ارتباط انسان و طبیعت از نگاه اسلام و آئین تائو، مجله هفت آسمان ، شماره ۲
- روزنبرگ ، دونا، ۱۳۷۵، اسطوره های خاو دور، ترجمه : مجتبی عبدالله نژاد، مشهد: ترانه
- شاله ، فیلیسین ، ۱۳۴۶، تاریخ تمدن مختصر ادیان بزرگ ، ترجمه: منوچهر خدایار محبی ، تهران : دانشگاه تهران
- علمی، قربان ، امید، حسین، ۱۳۹۶، بررسی زهددراندیشه حمدون قصارولائوتسه فصلنامه عرفان اسلامی ، سال سیزدهم ، ش ۵۲، ۶۸-۵۵
- فیتس جرالده ، چارلز پاتریک ، ۱۳۸۴، تاریخ فرهنگ چین ، ترجمه : اسماعیل دولتشاهی ، تهران : علمی و فرهنگی
- قرایی، فیاض، ۱۳۸۸، ادیان خاور دور، چاپ دوم ، مشهد: نشر دانشگاه فردوسی
- کالتمارک ، ماکس، ۱۳۶۹، لائوتزه و آیین تائو، ترجمه: شهرنوش پارسى پور، تهران : نشرنگار
- کریستی ، آنتونی ، ۱۳۸۴، شناخت اساطیر چین، ترجمه: محمدحسین باجلان فرخی، چاپ دوم ، تهران : نشر اساطیر
- لائوتزو ، ۱۳۸۵، دائوده جینگ، برگردانی از اورسولا ک. له گین، ترجمه: ع. پاشایی، تهران: نگاه معاصر
- لائوتسه، ۱۳۹۱، دائوده چینگ، ترجمه: سودابه فضلای ، چاپ اول ، تهران : انتشارات ادیان.
- لائوتسه ، ۱۳۷۳ ، لائوتسه استاد پیر ، ترجمه : مهدی ثریا ، چاپ اول ، تهران : قوانین
- مولر، هانس - جورج ، ۱۳۹۳، فلسفه دائوده جینگ ، ترجمه: محمد طباطبائی ، تهران : نشر فروزش
- مولیر، کریستین، لواسانی ، ۱۳۹۲، سیدمحمدرضا، دیدگاههایی درباره اهریمن: اهریمن شناسی و راست کیشی در آئین دائوی نخستین، فصل نامه هفت آسمان شماره ۵۹
- میلر، جیمز، ۱۳۹۵، مقدمه ای کوتاه بر آئین دائو ، ترجمه : مهدی لک زایی، ابوبکر ساوار، قم : ادیان
- مینگ، دووی - استریک من، مایکل - رینولدز، فرانک، ۱۳۹۷، آئین های کنفوسیوس ، دائو بودا، ترجمه: غلامرضا شیخ زین الدین ، چاپ چهارم ، تهران : انتشارات مروارید
- هینلز، جان، ۱۳۸۹، ادیان زنده شرق، ترجمه: جمعی از مترجمان، چاپ اول، قم : نشر دانشگاه ادیان و مذاهب
- هیوم، رابرت، ۱۳۸۰، ادیان زنده جهان، ترجمه : عبدالرحیم گواهی، چاپ دهم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- والکر، برایان، ۱۳۹۴، هوآهوچینگ تعالیم نهایی لائوتسه، ترجمه: امید بامداد، چاپ اول، تهران: نشر فراوان
- ولی زاده، صمد، ۱۳۶۸، آبرنیروی چی ، چاپ اول ، تبریز: نشر نگارنده
- ویلهلم، ریچارد، ۱۳۹۸، راز گل زرین، ترجمه : سیمین موحد، چاپ سوم، تهران: نشر ورجاوند

-Bowker, John,Beliefs(2007), that changed the world, Quercus publishing plc.182-184

-Smit,Huston,(1965),The Religions of Man , Harper & Row,London.

- Eliade, Mercea (ed.) (1981), *Encyclopedia of Religion*, Vol. 15, London: Macmillan

- Elmi,Ghorban and Zarvani, Mojtaba,(2017), Problem of Evile in taoism , Religious Inquiries 1 , No,10 : 35-48